

فقه و آموزش و پرورش

نیلوفر عمیدی

آموزگار مقطع ابتدایی

nilofarlahiji1393@gmail.com

چکیده

فقه و تربیت دو عرصه مهمی هستند که نقش برجسته ای در زندگی فردمسلمان ایفا می کنند. تربیت یعنی پرورش همه جانبه و انسان در پرتو این تربیت صحیح است که به کمال می رسد. از طرفی، بعد عملی دینداری یعنی فقه جایگاه ویژه ای در زندگی انسان دارد. در واقع در پرتو فقه و تربیت، مجموعه ای از باید ها و نباید ها فرد را احاطه کرده است. این دو عرصه با پیشرفت زندگی بشر و تحولات اساسی در زمینه های فرهنگی و اجتماعی، شکل جدیدی به خود گرفته است و هویتی نو پیدا کرده است. از سویی نهاد تعلیم و تربیت که رسالت آموزش و پرورش است، یکی از نهادهای اساسی در آموزش و پرورش است، زمینه ساز موفقیت انسان در سایر ابعاد زندگی است. از سویی دیگر فقه می بایست فراتر از زندگی انسان عمل کند و پاسخگوی نیازهای شرعی انسان در همه ی ابعاد فردی و اجتماعی باشد. حال در این زمان، به بررسی ارتباط و تعامل این دو عرصه ی مهم در زندگی یک فرد در جامعه ی اسلامی می پردازیم. زیرا که تربیت با اصول و شیوه هایی دارد، ضمن ارایه ی موضوعات جدید در عرصه ی فقه و اجتهاد، به فرایند پایبند بودن افراد جامعه ی اسلامی به فقه و احکام فقهی کمک شایانی نماید.

واژگان کلیدی: تربیت، فقه، تربیت اسلامی

۱- مفهوم شناسی

فقه در لغت به معنای فهم بکار رفته و در آیات و روایات فراوانی استعمال شده است. این واژه در صدر اسلام معنای وسیعی داشت و علاوه بر احکام شامل مسایل اعتقادی و دین شناسی اخلاقی نیز می گردد. این واژه عمدتاً در ۲ معنا بکار می رود. یکی علم به احکام فرعی از روی ادله آن و دیگری مجموعه منابع معتبری که از فقه استنباط شده است و در کتب فقهی منعکس شده است. (عراقی، ۱۸۳۱)

تربیت در معانی گوناگون مانند نظام آموزش و پرورش شامل فرایند تاثیر گذاری و تاثیر پذیری است. لازمه ی تعلیم و تربیت وجود ۳ رکن اصلی، مربی و متربی و محتوا است. تربیت در این مبنامبتنی بر اهداف، اصول و روش ها و مراحل عملی است که برای تحقق آن ضروری می باشد. فقه یک حوزه معرفتی شرعی و اسلامی است که بخش عملی

شریعت را تشکیل می دهد و تربیت نیز مجموعه ای از آموزه ها و فعالیت های عینی است، (شبلی، ۱۸۳۱) اما ما در پی بررسی امکان تعامل این پدیده عینی در یک جامعه اسلامی هستیم، از این رو باید فقه به عنوان یک دانش اسلامی تاثیراتی در تربیت داشته باشد. در حقیقت در پرتو این تاثیرات رنگ و بوی اسلامی و دینی به تربیت می بخشد. در واقع تربیت را که یک سری فعالیت های عینی بوده و به خودی خود ماهیت دینی و اسلامی ندارد را دینی و اسلامی کند. با توجه به این نکته می توان به مهم ترین زمینه هایی که امکان تعامل میان فقه و تربیت را میسر شود، اشاره نمود.

۱-۱. از جهت اشتراک موضوع

از مهم ترین زمینه های تعامل فقه و تربیت مشترک بودن این موضوع تربیت انسان (متربی) است. به این بیان عوامل تربیتی درصدد تاثیرگذاری بر متربی است و کانون این تاثیرپذیری اندیشه ها، بینش ها، گرایش ها و به ویژه رفتارهای او است. اما آن چه از تاثیرات در متربی بیشتر ظهور می یابد، واکنش ها و رفتارهای بیرونی او است. از این منظر، نقطه نهایی تاثیرات مربی در فرایند تعلیم و تربیت بروز اعمال و رفتارهای مطلوب است. همین امر زمینه مشترک میان فقه و تربیت با انسان و رفتارهای او و تعامل آن دو را امکان پذیر می سازد. هر چند تاثیرگذاری این دو در انسان متفاوت است. نگاه فقه به انسان و رفتارهای او شرعی است، اما تربیت درصدد ایجاد بینش، اصلاح و تغییر رفتارهای او است. از این رو، این ویژگی مشترک می تواند زمینه تعامل و تلاقی این دو امر را در زمینه های زیادی فراهم سازد.

۲-۱. از جهت گستره و قلمرو

زمینه مشترک دیگری که امکان تعامل فقه و تربیت اسلامی را فراهم می سازد، گستره و قلمرو این دو است. این دو عرصه در میان علوم اسلامی و انسانی قلمرو بسیار گسترده ای را دارند. تربیت گستره ای به درازای عمر انسان دارد و شامل عوامل زمینه ساز پیش از تولد نیز میشود و شامل همه ی فعالیت هایی است که به نحوی در پرورش ابعاد وجودی انسان تاثیرگذار است، میگردد. این ابعاد شامل، ابعاد جسمی، روانی، اخلاقی، عقلانی و مانند اینها میگردد. (ژان، ۱۳۷۴) از سوی دیگر، فقه هم گستره ای عظیم دارد و همه ی مقاطع عمر انسان و حتی پیش از تولد را در برمیگیرد.

احکام و باید و نباید های شرعی موجود و دسته بندی های رایج شده نشان میدهد که فقه به جنبه ی خاصی از زندگی انسان نمیپردازد. قانونگذار شرعی چنان احکام را وضع کرده که در پرتو التزام و عمل به آنها همه ابعاد وجودی انسان پرورش می یابد.

چه این که در فقه هم احکام مربوط به تامین سلامت جسمی و تامین امور معیشتی و مادی وجود دارد و هم احکام مربوط به سلامت عقلانی و روانی و هم احکام فردی و اجتماعی است. بنابراین گستره ی قلمرویی این دو حیطه در ابعاد و جنبه های مشترک زمینه تعامل این دو را فراهم می سازد.

۳-۱. از جهت محتوا و مسایل

از آن جا که موضوع تربیت و فقه و مسایل مطرح در این دو حیطه می تواند زمینه ساز تعامل این دو باشد. محتوای تربیت شامل کلیه ی آموزه هایی است که در پرورش ابعاد وجودی انسان موثر است . محتوا و مسایل فقه عبارت است از باید و نباید های شرعی ، اعم از باید و نبایدهای آموزشی عملی و رفتاری. بنابراین ، این دو حیطه میتوانند در برخی مسایل و محتواها تلاقی داشته باشند. برای مثال باید و نباید های فقهی بخشی از محتوای تربیت در جامعه اسلامی را تشکیل میدهند و امروزه نظام تعلیم و تربیت کشورهای اسلامی ، احکام فقهی به عنوان یک ماده درسی و یا دست کم بخشی از کتاب های دینی آن ها را تشکیل می دهد. از سوی دیگر فعالیت های آموزشی و تربیتی میتوانند موضوع احکام فقهی قرار گیرند و از نظر فقهی ، جواز یا عدم جواز آنها مورد بررسی قرار گیرد.

۴-۱. از جهت اشتراک در اهداف و غایات

زمینه دیگر تعامل فقه و تربیت ، اهداف و غایات مشترک است. تربیت به عنوان یک فرایند هدایتگر در جامعه اسلامی و هم فقه به عنوان یک حوزه معرفتی دینی و اسلامی در راستای رساندن انسان (متربی و مکلف) به یک هدف غایی ، یعنی قرب الهی حرکت می کند.

۵-۱. از جهت عملی و کاربردی بودن

فقه و تربیت هر دو جنبه ی کاربردی دارند، به عبارتی فقه بعد عملی شریعت است و همه ی احکام جنبه عملی و کاربردی دارند. از طرفی بارزترین جنبه تربیت عملی فعالیت ها و رفتارهای عملی مربی و متربی است. در واقع تربیت به عنوان موضوعی که عرصه ها و زمینه ها را شامل میشود ، در نظر گرفته میشود و آن گاه هر یک از این عرصه ها و عناصر به فقه عرضه می شوند و دیدگاه فقه درباره ی آنها مورد بررسی قرار میگیرند. به عنوان مثال در مواردی احکامی رالزامی و در اصطلاح واجب در نظر میگیرد. و یا در برخی موارد آنها را منع و به اصطلاح تحریم نماید. حالت دیگر آن است که تربیت و عناصر آن در یک جامعه اسلامی به کار گرفته میشود و آن گاه بررسی می شود که فقه کدام یک از این عناصر را می تواند تامین نماید. مثلاً بررسی میشود که آیا میتوان اصول ، روش ها و سایر عناصر تربیت را که قرار است در یک جامعه ی اسلامی به کار گرفته شود، از فقه استخراج نمود و از این طریق به تربیت رنگ فقهی و اسلامی داد. شکل نخست تاثیرگذاری فقه روشن است و نیازی به بررسی و اثبات ندارد و چه بسا بخشی از رسالت فقه به حساب آید و نقش آن در همه ی علوم و فنونی که به انسان و زندگی او مربوط است ، مشهود است. یعنی در یک جامعه دستاوردهای علمی باید به فقه عرضه و پس از بررسی از جوار فقه بهره مند شوند.

اما شکل دوم تاثیرگذاری فقه نیاز به بررسی و استدلال دارد، به این صورت که پس از تعیین قلمرو فقه بررسی می کنیم که فقه چه عناصری از فرایند تربیت را می تواند عرضه کند. البته باید بگوییم که عرضه عناصر تربیت به شکل مدون از وظایف فقه نیست و نباید انتظار داشت که فقه بطور مدون و مشخص این عناصر را عرضه کند ولی میتوان برخی از این عناصر را از احکام فقهی استخراج نمود.

تأثیر فقه در مبانی تربیت

مبانی تربیت عبارت است از قانون مندی های عینی و واقعی فرایند تربیت که مربوط به واقعیات است. و بخش مهمی از این واقعیات، واقعیات تربیتی است. (دان هیل، ۱۳۷۴)

تأثیر فقه در اهداف تربیت

فقه به عنوان بخشی از اسلام نمی تواند به تنهایی هدف غایی را که همان تقرب الهی است را تامین نماید، بلکه فقه می تواند اهدافی را ارائه دهد که در راستای آن هدف نهایی قرار می گیرند.

اصل رعایت توانایی و محدودیت متربی

یکی از اصول تربیتی این است که فعالیت های متربی می بایست متناسب با توان متربی باشد، به عبارت دیگر لازم است شرایط، موقعیت و توان متربی را در نظر گرفت و متناسب با این شرایط و وضعیت، تدابیر تربیتی اندیشیده و به اجرا درآورد. این اصل تربیتی در باب های مختلف فقهی از جهات گوناگون مورد توجه قرار گرفته اند که می توان به تفاوت در احکام از جهت مقطع سنی، جنسیت، شرایط زمانی و مکانی اشاره نمود.

تأثیر فقه در ابعاد تربیت

از آن جا که شخصیت انسان دارای ابعاد و جنبه های گوناگون است تربیت او نیز دارای ابعاد گوناگون است. در فقه به نحو مطلوبی به ابعاد مختلف تربیتی اشاره شده است. در ادامه به بیان برخی از این ابعاد تربیتی می پردازیم.

تربیت جسمی

در فقه توجه ویژه ای به پرورش بعد جسمی انسان شده است و باب ها و مسایل متعددی به این امر اختصاص یافته است. به عنوان مثال باب خوردنی ها و آشامیدنی ها که به طور مستقیم به پرورش بعد جسمی انسان مربوط است احکام متعددی را شامل میشود. (صادق زاده، ۱۳۷۹)

تربیت روحی

تربیت روحی و درونی از ابعاد مهم تربیت است و مشتمل بر رابطه ی انسان با خداوند است. از این رو در فقه، اهمیت زیادی به پرورش از این بعد داده شده است. به طور کلی یکی از مهم ترین بخش فقه بخش عبادت است که تامین کننده این بعد تربیتی است و در این رابطه باب هایی چون نماز و روزه نقش تعیین کننده ای دارد.

تربیت اجتماعی

در فقه توجه ویژه ای به روابط اجتماعی مکلفین گردیده و بخش عمده ای از آن به تنظیم روابط اجتماعی به ویژه مسایل حقوقی مکلفین اختصاص یافته است. هسته ی اولیه این روابط از خانواده آغاز گردیده و سپس به دیگر افراد

جامعه و نهادها و روابط اجتماعی می رسد و شبکه ارتباطی او کامل می گردد، فقه در این روابط حضور فعال دارد و به تناسب آنها قوانین و مقررات وضع می گردد.

تأثیر تربیت در فقه

همچنان که فقه در تربیت تأثیرگذار است، تربیت نیز در فقه تأثیر می گذارد. در ادامه به برخی از این تأثیرات اشاره می شود.

ارایه ی موضوعات جدید

یکی از زمینه های تأثیر گزار تربیت در فقه، ارایه ی موضوعات نوین است. تعلیم و تربیت به دلیل ارتباط تنگاتنگ فرد با زندگی انسان طیف وسیعی از مسایل انسانی را در می گیرد و یکی از رشته های گسترده و دامنه دار علوم انسانی است و با توجه به تحول روز افزون علوم بشری این حوزه نیز متأثر از آن گردیده و پیوسته مسایل و موضوعات جدیدی در آن پدید می آید. از سوی دیگر تعلیم و تربیت در یک جامعه اسلامی نباید در تضاد با اصول ارزشی حاکم بر آن باشد به عبارتی دانشی که وظیفه بررسی موضوعات با قوانین شریعت بر عهده فقه است. بنابراین تعلیم و تربیت موضوعات جدید را فرا روی فقه قرار میدهد و فقه را به اظهار نظر پیرامون جواز یا عدو جواز آنها فرا میخواند.

تحلیل و تبیین موضوعات فقهی

فقه زمینه ساز سعادت و رستگاری انسان مسلمان است و هدف از آن، تربیت و پرورش انسان از رهگذر شکل دهی به رفتارهای روزمره او است. از این رو جنبه های تربیتی احکام و مباحث آن مورد توجه قانونگذار شرعی است. خدمت بزرگی که تعلیم و تربیت می تواند به فقه داشته باشد، کمک در ارایه تحلیل های تربیتی از احکام و مباحث فقهی و برجسته نمودن و تبیین و توصیف جنبه های تربیتی فقه است. این امر موجب آشکارتر شدن اثر فقه و مثبت شدن بینش ها نسبت به فقه و احکام آن میشود. در نتیجه اقبال به فقه و پایبندی عملی به احکام آن افزون تر میگردد. به عنوان مثال اگر جنبه های تربیتی نماز در ابعاد فردی و اجتماعی و جسمی به خوبی توصیف و تبیین گردد، زمینه ی گرایش به آن در جامعه افزون تر میشود.

تأثیر در آموزش و پرورش و به کار بستن احکام فقهی

نفش دیگری که تعلیم و تربیت می تواند در فقه ایفا نماید، استفاده از روش های تربیتی در آموزش احکام فقهی و به کار بستن آنها است. تأثیر تعلیم و تربیت در این زمینه از آن جهت است که تعلیم و تربیت اطلاعاتی پیرامون متریبان و متکلفان ارایه میدهد و هم روش های نوین خود را در آموزش احکام و چگونگی بکار بستن آنها عرضه می کند و از این راه زمینه ساز ترویج بیشتر فقه در جامعه و پایبندی به آن را فراهم میسازد.

سرآغاز آموزش اسلامی

فقه در تربیت تاثیر گزار است و تنها اختصاص به معلم پرورشی و یا معلم آموزشگاه در نظام آموزش و پرورش رسمی ندارد، بلکه شامل هر نیروی تاثیرگزار در فرایند تربیت، اعم از مربیان پرورشی، معلمان، والدین و مانند اینها میگردد. در فقه از عوامل انسانی متعددی که به نحوی در فرایند تربیت تاثیرگزار است، سخن به میان آمده است. به عنوان مثال می توان به والدین اشاره نمود. کلیه ی قوانینی که مربوط به دوران پیش از تولد تا پیش از سن مدرسه است به نحوی متوجه والدین است. مراد از مرتبی هر نیروی انسانی است که تحت تاثیر تربیتی عامل انسانی دیگر باشد. از این رو، کودکان مصداق بارز مرتبی بوده و این جنبه آنان برجسته است. (فرجاد، ۱۳۷۰) با مطالعه و بررسی کتب در مقاطع مختلف تحصیلی آشکار میشود که فقه یعنی آموزش احکام فقهی و کیفیت عمل به آنها. به عنوان مثال در کتاب های دینی مقاطع مختلف تحصیلی به بیان احکام شرعی پرداخته شده است.

بحث و نتیجه گیری

همچنان که فقه در تربیت تاثیر گزار است، تربیت نیز در فقه تاثیر گزار است. تعلیم و تربیت به دلیل ارتباط تنگاتنگ خود با زندگی انسان طیف وسیعی از مسایل انسانی را در بر میگیرد و یکی از رشته های گسترده و دامنه دار علوم انسانی است و با توجه به توسعه و تحول علوم بشری این حوزه نیز دستخوش دگرگونی گردیده و پیوسته مسایل و موضوعات جدید در آن پدید می آید.

از سوی دیگر، تعلیم و تربیت در یک جامعه اسلامی نباید در تضاد با اصول ارزشی حاکم بر آن باشد و همه مسایل و موضوعات مطرح در آن می بایست به نحوی بر شریعت عرضه و موافقت و یا دست کم عدم مخالفت آن با شریعت و قوانین اسلامی حاکم بر جامعه اسلامی احراز گردد. بنابراین تعلیم و تربیت موضوعات جدیدی را فرا روی فقه قرار می دهد و فقه را به اظهار نظر پیرامون جواز یا عدم جواز آن فرا میخواند.

در اینجا با توجه به مجال بدست آمده در اینجا به رابطه ی بین فقه و تعلیم و تربیت و اهمیت این دو موضوع پرداخته شد. امید است با اهتمام بیشتر به اهمیت رابطه ی بین این دو مقوله پرداخته شود.

منابع :

- ۲- عرافی، علیرضا، فقه تربیتی، تحقیق، سید علینقی موسوی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، اول، ۱۳۸۱.
- ۳- شبلی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، محمدحسین ساکت، تهران، نگاه معاصر، چاپ اول، (۱۳۸۱)
- ۴- توما، ژان، (۱۳۷۴) مسائل بزرگ آموزش و پرورش در جهان، ترجمه دکتر نصرت صفی نیا، تهران
- ۵- دان هیل، جمس و میرآفتاب، محمود، ۱۳۳۹ اصول آموزش و پرورش، تهران عطائی.
- ۶- صادق زاده، علیرضا ۱۳۷۹ جستاری، در حدود مسئولیت تربیتی دولت اسلامی، «مجموعه مقالات همایش تربیت در سیره و کلام امام علی، (ع) تهران: نشر تربیت اسلامی.
- ۷- فرجاد، محمدعلی (۱۳۷۰). آموزش و پرورش تطبیقی.